



تیتراژهای امروز

میلیون ها نوجوان و جوان ایرانی در سی و هشتمین سالگرد بزرگداشت یوم الله ۱۳ آبان «مرگ بر آمریکا» گفتند

تازه نفسی ها



تسلط حشدالشعبی بر مهم ترین راه های ارتباطی تروریست ها به سوریه

عقب نشینی داعش به غرب دجله

پشت پرده پیام ابوبکر البغدادی

انفجار دیاربکر ۱۰۸ کشته و زخمی برجای گذاشت

بازداشت شبانه نمایندگان کرد پارلمان ترکیه

توضیحات رضوی به «وطن امروز»

شکایت سرمایه گذار از عوامل شهرداری ۲

نگاه امروز

۲ فر از تاریخی از فرمایش سه شنبه جناب روحانی

محمد زعیب زاده

به نظر می رسد در سال پایانی دولت یازدهم جمع بندی در حلقه های نزدیک به جناب رئیس جمهور مبتنی بر ۲ انگاره در حال شکل گیری است؛ اول اقدامات که برخی اقدامات نسنجیده منتقدان دولت، ابوزیسیون نمایی و مخالف خوانی توسط دولت در حوزه مسائل اجتماعی و فرهنگی همچنان موضوعیت و جای کار دارد؛ و دوم اینکه در حوزه معیشت و مبارزه با فساد قافیه حسابی به تنگ آمده است و باید درباره برخی اقدامات که از صفر تا صدش در همین دولت رخ داده مواجهه دیگری داشت و توجیهاتی تراشید و احتمالا همین مشاوره سبب شد در سخنان روز سه شنبه جناب روحانی در مجلس شورای اسلامی ۲ فر از مهم و تاریخی به ثبت برسد و منطقی جدید برای مقابله با فساد پدید آید؛ منطقی که می توان حتی با اندکی تسامح نام «مانیفست نظری مکتب مدیریتی سرخ» را برای آن برگزید.

۱- جناب روحانی خیلی جدی و مصمم روز سه شنبه فرمودند آنچه در صندوق ذخیره فرهنگیان رخ داده و رکورد فساد اداری را در کشور جابه جا کرده یک اختلاس نبوده بلکه مقدار مشخصی وام بوده که به عدهای خاص تعلق گرفته و هنوز پس گرفته نشده است، جناب رئیس جمهور البته به اعداد و ارقام اشاره نکردند و نگفتند ۸ هزار میلیارد تومان فقط به ۳۰ نفر وام داده شده است. استدلال رئیس جمهور درباره آنچه در صندوق ذخیره فرهنگیان رخ داده است دقیقا شبیه همان استدلال امیرمنصور آریاست؛ او هم معتقد بود اختلاسی نکرده بلکه صرفا بخشی از بدهی اش معوق شده. در واقع حتی وضع امیرمنصور آریا از این ۳۰ نفر بهتر هم بود چون او معتقد بود آنچه انجام داده تنها تلاشی برای جلوگیری از معوق شدن بدهی ناشی از گشایش ال سی با ایجاد آلا سی جدید بوده است، آن هم با اندکی تلاش سازمان یافته برای تسهیل و تسریع کار؛ در این میان فقط یک اختلاف قرائت کوچک بین فرمایشات آریا و قوه قضائیه وجود داشت که سبب شد جناب آریا امروز در قید حیات نباشد و احتمالا نتواند از وام گیرندگان هزار میلیاردی باشد و آن هم این بود که آریا اعتقادی نداشت به شکل غیر قانونی و ... ادامه در صفحه ۵

وعده کلینتون درباره اعمال منطقه پرواز ممنوع بر فراز سوریه «جنگ جهانی سوم» را کلید خواهد زد

عفریته جنگ



وضعیت ژئوپلیتیکی غرب آسیا را از اینکه هست بسیار وخیم تر خواهد کرد. همین حالا مهم ترین سرچشمه ضربات جدیدی که هیلاری کلینتون دریافت می کند فردی است به نام هما عابدین که اگر چه ظاهرا هندی-پاکستانی معرفی می شود اما در واقع یک سعودی است که کلینتون بشدت به او وابسته است و حتی به قیمت وارد آمدن خسارت بی سابقه به کمپینش حاضر نیست او را از خود دور کند. علاوه بر این، کلینتون نماینده آن دسته از سیاستمداران آمریکایی است که خود را معمار استراتژی تحریم می دانند و به کار آبی آن در پیشبرد سیاست های بین المللی آمریکا باور دارند. درباره ایران نیز تردیدی نیست که رژیم جنایتکارانه و بی سابقه تحریمها بیش و پیش از هر کس دیگر توسط تیم کلینتون در وزارت خارجه آمریکا طراحی و اعمال شد و کسانی که پس از او آمدند چیز چندانی بر این بنای منحوس نیفزودند. اکنون کار از این هم فراتر رفته است. موسسه رند که ارتباطاتی عمیق با تیم کلینتون دارد اخیرا نسخه ای از یک راهبرد جدید را عرضه کرده که تحریم را با دیگر ابزارهای قدرت ملی آمریکا از جمله عملیات اطلاعاتی، حمله سایبری، تهدید نظامی، فشار روانی و رسانه ای، همه دیپلماتیک و ... مخلوط می کند و ماحصل آن راهبرد جدیدی است که «استراتژی اعمال فشار» (P2C: The power to coerce) نامیده می شود. در این راهبرد جدید- که اجرای آن اولویت تیم کلینتون در قبال ایران خواهد بود- همه ابزارهای قدرت ملی آمریکا بدل به ابزار جنگ علیه ایران می شود و بی سابقه ترین رویارویی میان ایران و آمریکا شکل خواهد گرفت. همه اینها را باید در کنار اراده ای قرار داد که تیم کلینتون برای استفاده حداکثری از ابزارهای خصمانه نهفته در برجام علیه ایران دارد. دولت اوپاما در استفاده از بخش های سیاسی و ترسیم مجدد و بازرسی و همچنین اعمال معیارهای سختگیرانه درباره روند رسیدن به «ارزیابی گسترده تر» (BC) درباره برنامه هسته ای ایران احتیاط کرد، چرا که منطقه امن و برقراری منطقه پرواز ممنوع در سوریه نمی دانند. این ایده ای است که اوپاما هم چندین بار برای اجرای آن خیز برداشته اما واقعیت های میدانی در لحظات آخر آن را از ورود به این ورطه هولناک باز داشته است. هیلاری به صراحت وعده داده در صورت ورود به کاخ سفید منطقه پرواز ممنوع را در سوریه برقرار خواهد کرد. برقراری چنین مکانیسمی در حلب- اگر واقعا از نسوی آمریکا با جدیت اجرا شود- به وقوع مهیب ترین جنگی در منطقه خواهد انجامید که تاریخ به خاطر دارد. نه ایران، نه دولت سوریه و نه حتی روس ها چنین مداخله ای را نخواهند پذیرفت و بویژه حالا که در آستانه یک پیروزی تاریخی در سوریه قرار دارند، به اعمال هر نوع مکلیم پرواز ممنوع بی اعتنایی خواهند کرد. در این صورت وقوع برخورد میان آمریکا و متحدان سوریه قطعی است و وقتی چنین برخوردی رخ دهد دیگر روشن نیست پای چه بازیگران دیگری به منازعه باز خواهد شد، دامنه بحران تا کجا رشد خواهد کرد و ابعاد درگیری چقدر شدید خواهد شد. اگر از همه موارد دیگر صرف نظر کنیم، هیلاری کلینتون را به همین یک دلیل می توان «رئیس جمهور جنگ» نامید. او کمپین خود را به گونه ای پیش برده که مجبور به مداخله در منطقه خواهد بود و این مداخله با هر سناریویی که رخ دهد، رویارویی اجتناب ناپذیر خواهد بود. رویارویی هم با هر شدتی که آغاز شود، دیگر نمی توان ابعاد آن را کنترل کرد و کار به سرعت به جنگ تمام عیار خواهد کشید.

صفحه ۱۵ را هم بخوانید

در شبکه های اجتماعی
پیامک خوانندگان
۱۰۰۰۲۲۳۱
@vatanemrooz

تهدید تولید ملی
خرید کالای خارجی!

یادداشت امروز

اخلاص با فرنگی اختلاس از فرهنگی

حسین قدیانی

ان شاء الله حضرات محترم ناظر بر سطور پیش رو، نگارنده را به «نشر اکاذیب به قصد تشویش اذهان عمومی» متهم نکنند لیکن



وقتی با گذشت بیش از ۵ ماه از ماجرای حقوق های نجومی، مقامات دولتی هنوز یک نفر را به قوه قضائیه معرفی نکرده اند، وقتی آقای روحانی، بزرگترین فساد ممکن آن هم از جیب قشقر دلسوز معلم را تقلیل می دهد به «موقعه بانکی»، وقتی مدیر نجومی اگر هم کنار گذاشته می شود، مدبری با حقوق نجومی تر جایگزین می شود، وقتی خزانه برای خدمت به ملت خالی اما برای برخی همچنین پر است که نگو، وقتی از سویی ادعای مبارزه با کاسبان تحریم را دارند و از دیگر سو، توافق را معطوف به لغو تحریم، در ضعیف ترین صورت ممکن می بندند، وقتی هم با تحریم و هم با توافق، کاسبی دونبش راه می اندازند، وقتی خانم ابتکار هدف دولت از توافق را در درد دل با رسانه اجنبی به روشنی لو می دهد که ناظر بر پیروزی در انتخابات آینده ریاست جمهوری است، نه برداشته شدن تحریمها، وقتی آقای ظریف با ادبیاتی دیگر، صحنه بر همین مهم می گذارد، وقتی رئیس قوه مجریه، یک روز مدعی می شود دولت اعتدال در مواجهه با فساد، حتی به نزدیکان خود هم رحم ندارد و دگر روز، شاهد شکایت رسمی مقامات ارشد قضایی از عدم برخورد دولت اعتدال با مقوله فساد هستییم، وقتی به بهانه خالی بودن خزانه، اینگونه وانمود می شود که ما در جریان مذاکره، ناچاریم مدام به دشمن امتیاز بیشتر بدهیم و اندکی بعد معلوم می شود خزانه آنقدر

پر هست که حتی از صندوق متعلق به گچ و تخته معلم زحمتکش هم می توان در مقوله فساد رکورد شکنی کرد، وقتی برای نوشتن از فساد فراوان و خسران فراوان تر نهفته در قرارداد «کرسنت»، دست و دل قلم خبرنگار متعهد باید بلرزد، وقتی فریاد مردم در شکایت از «بیکاری» شعار خوانده می شود اما ملت ظاهرا چاره ای ندارند الا باور وعده سر خرمن گلابی، وقتی ناشر اکاذیب کردند که در همان روز توافق، همه تحریمها بالمره لغو می شود، اینک اما مردم را حواله به افق می دهند، وقتی جیب مردم، هیچ کدام از آمارهای اقتصادی را تابید نمی کند، وقتی نه چرخ سانتریفیوژها می چرخد و نه چرخ بسیاری از کارگاه ها و کارخانه ها، وقتی کارگر بیکار من باب آن دستسور کذا، باید شکر کند که منائر از تداوم دولت محترم، به کاروان افراد بیکار اضافه شده، وقتی معلوم شد که مشکلات اقتصادی را بی خود گسردن صنعت هسته ای انداخته بودند و فی الواقع مشکل از ناحیه خود حضرات است، وقتی هسته ای را دادند لیکن لغو تحریم را نگرفتند، وقتی در برخورد با دشمن، دوستانه عمل می کنند اما از تیغ زدن جیب زائر اربعین، آن هم با خنده دارترین بهانه ها اندک ابایی ندارند، وقتی به منتقد که می رسد، با فرستادن او به محکم، جواب تحلیل درست او را می دهند لیکن در مقام رویارویی با مصادره اموال ملت ایران توسط دشمن جلا، نهایتا ۲ تا ایمیل به جان کبری و دیگر هیچ، وقتی اختلاس را بلندن معوقه بنامند اما اقتصاد را حتی در سال چهارم دولت خود، آگاه نیستند که مساله اول کشور است، وقتی برای وام ازدواج، بانک های شان، ولو یک آه در بساط ندارند اما همان بانکها وقتی به درانه های بنفش که می رسند، سر کیسه را همچنین شل می کنند که بیبا و ببین، دقیقا چه باید گفت در وصف این بساط که حق مطلب ادا شود؟! دولت راستگویان؟! دولت تدبیر و امید؟! دولت اعتدال؟! اگر «اعتدال» یعنی اینکه بگذاری «فرنگی» در قرارداد فلان، سر تو را کلاه بگذارند و تو هم در عوض، «فرنگی» ملت خود را در بزرگترین تخلف ممکن بچاپی، آری! نام این دولت، «دولت اعتدال» است! اگر «تدبیر و امید» یعنی اینکه با تدبیر حضر تعالی و شرکا در قلب راکتور خود کفایی «سپیمان» ریخته شود لیکن امید به لغو تحریمها درجه آخر ختم شود به وعده سیب و افق گلابی، آری! نام دیگر این دولت، «دولت تدبیر و امید» است!

ادامه در صفحه ۵